

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.Ketab.ir



در آئینه قرآن و روایات
عرفان عملی

حسن رضانی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عرفان در آینه قرآن و روایات

عرفان عملی

حسن رمضانی

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

سرپرستار

محمدباقر انصاری

لینتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

عنوان: ۵۶۲؛ مسلسل: ۸۸۳

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۳

ص.ب: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۴

۲. تهران، خیابان انقلاب، رویروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajooahaan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:

رمضانی، حسن، ۱۳۳۶-

عنوان و نام پدیدآور:

عرفان در آینه قرآن و روایات: عرفان عملی/ حسن رمضانی؛ تهیه پژوهشکده فرهنگ و

معارف قرآن

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری:

ص ۳۷۶

شابک:

۶۰۰۰۰ ریال:

978-600-195-555-6

وضعیت فهرست‌نویسی:

فبا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۳۳۱]- ۳۴۱؛ همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت:

نمایه

موضوع:

عرفان عملی

موضوع:

عرفان -- جنبه‌های قرآنی

موضوع:

عرفان -- احادیث شیعه

موضوع:

عرفان

شناسه افزوده:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

رده‌بندی کنگره:

BP ۱۰۴

رده‌بندی دیویی:

۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی:

۵۸۸۹۶۵۱

۷		سخنی با خواننده
۹		مقدمه
۱۷		مفهوم‌شناسی عرفان
۳۱		جایگاه عرفان در منظومه علوم و معارف الهی
۴۹		قرآن و روش‌های گوناگون کسب معارف
۷۷		راز واکنش‌های منفی به عرفان و تصوف
۹۱		شریعت، طریقت، حقیقت
۱۱۳		سیر و سلوک عرفانی و نقش آن در تشکیل شخصیت انسان
۱۲۷		سفرهای چهارگانه عرفانی
۱۴۷		منازل، مقامات و احوال
۱۶۵		لقاءالله: مقصد نهایی سیر و سلوک (۱)
۱۸۱		لقاءالله: مقصد نهایی سیر و سلوک (۲)
۱۹۷		قرب فرائض، قرب نوافل و جمع بین القربین
۲۱۷		سالکان مجذوب و مجذوبان سالک
۲۳۷		ضرورت و نقش استاد در سیر و سلوک
۲۴۹		شرایط و ویژگی‌های استاد سیر و سلوک

۲۶۵	شرایط و ویژگی‌های مریدان سالک
۲۸۳	مستحسّنات عارفان
۲۹۵	مستنبطات عارفان
۳۱۱	شطّحیات عارفان
۳۳۱	کتابنامه
۳۴۳	نمایه
۳۴۳	آیات
۳۵۲	روایات
۳۵۷	موضوعات
۳۶۹	اعلام و مشاهیر
۳۷۳	مکان‌ها
۳۷۴	کتاب‌ها

سخنی با خواننده

عرفان اسلامی از علوم و معارفی است که با هدایت‌های قرآنی و ارشادهای نبوی و ولوی و به دور از غوغاهای بردگان دنیا و غافلان فردا، به دست انسان‌های به کمال رسیده و به‌ثمرنشسته، در زمینه فطرت انسانی تولّد یافت و بالید و به‌سان شجره‌ای طیّبه که «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذُنُ رَبِّهَا» طی اعصار متمادی، نفوس مستعد را از خاکدان طبیعت رهایی بخشید و به اذن خدا در مقام و منزل فنای فی‌الله و بقای بالله نشاند و می‌نشانند، جز آنکه برخی بر اثر قصور علمی و تقصیر عملی، به این رهاورد الهی و انسانی، آن‌گونه که باید، وقوف پیدا نکرده و از آن بهره نگرفته و طبعاً از آن دفاع نکرده و نمی‌کنند، بلکه متأسفانه آن را بیگانه‌ای می‌دانند که از ورای مرزهای دیانت و اسلامیت به جامعه مسلمانان راه یافته و لباس خودی پوشیده است.

تحقیق پیش رو با عنوان «عرفان عملی در آینه قرآن و روایات» که ثمره کوشش علمی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین استاد حسن رمضانی، عضو محترم هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است و با نظارت جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا اسحاق‌نیا، دیگر عضو محترم هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی سامان یافته و به حضور شما خواننده عزیز و حقیقت‌جو تقدیم می‌شود، سعی دارد اسلامی و قرآنی بودن این میراث گرانقدر را روشن سازد و ابرهای تیره و تاریک بدینی‌ها و سوء تفاهم‌ها را بزدايد و بدین‌گونه راه را برای کمال‌جویان و حق‌طلبان هموار کند و موانع را از سر راه آنان بردارد.

گفتنی است اثر علمی پیش رو پس از پیمودن فرایند و مراحل جاری و معمول تحقیق و نظارت در پژوهشکده فرهنگ، توسط استادان برجسته حوزه تفسیر قرآن کریم و عرفان اسلامی ارزیابی شده و مورد تأیید بیشتر آنان قرار گرفته است، جز اینکه مؤلف محترم، ضمن رعایت و اعمال برخی ملاحظات ساختاری و محتوایی ارزیابان محترم، برخی ملاحظات محتوایی را نپذیرفته است و این پژوهشکده نیز با توجه به اینکه به طبیعت حال، هر نویسنده‌ای پاسخگوی مدعاها و آرای علمی خود خواهد بود، به انتشار آن اقدام می‌کند و در عین حال از نقد و نظر عالمانه و منصفانه اصحاب تحقیق و صحابه علم و فرزانی نیز استقبال خواهد کرد و به خواست خدا در ویرایش‌های پسین مورد توجه قرار خواهد داد.

این پژوهشکده، ضمن قدردانی از مؤلف و ناظر محترم پژوهش، از کسانی که در به‌ثمرنستن این تلاش علمی سهمی داشته‌اند، به‌ویژه حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی محمدی عضو هیئت علمی و مدیر محترم گروه تفسیر موضوعی و حجج اسلام سیدیدالله یزدان‌پناه، علی‌امینی‌نژاد، دکتر محمدمهدی گرجیان، سیدمحمد غروی و دکتر عبدالله موحدی محب، ارزیابان محترم شورای پژوهشی پژوهشکده و سیدهادی ابراهیمی کارشناس گروه تفسیر موضوعی، نیز نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی فنی و چاپ و نشر اثر حاضر بوده و هست، سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون آنان را از خداوند خواستار است.

محمدصادق یوسفی‌مقدم

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

مقدمه

این مسئله که خاستگاه عرفانی که امروزه از آن تحت عنوان «عرفان اسلامی» یاد می‌شود - چه در بخش نظر (عرفان نظری) و چه در بخش عمل (عرفان عملی) - چه بوده و از کجا سرچشمه گرفته، از دیرباز مطرح بوده و درباره آن نظریات گوناگون، بلکه متعارضی ابراز شده است.

برخی با آنکه با عرفان و عارفان میانه خوبی داشته و دارند، به جد معتقدند عرفان، عرفان است و اسلام هم اسلام و این دو با هم هیچ ربط و نسبتی ندارند، جز آنکه در برخی موردها با یکدیگر هم‌نواپی‌هایی دارند؛ چنان‌که در برخی موردها نیز با هم متعارض و متخالف‌اند. اینان از آن‌رو که بعضی از آموزه‌های عرفان اسلامی را - اعم از نظری و عملی - مسبوق به سابقه می‌یابند و میان آنها و آموزه‌های عرفان‌های بیگانه تشابه‌هایی مشاهده می‌کنند، آن را امری وارداتی که از خارج اسلام به جامعه و فرهنگ اسلامی راه یافته و جا خوش کرده و در نهایت هم از اسلام جدا و با آن بیگانه است، ارزیابی می‌کنند. برخی هم که با توجه به مبانی، اصول و نتایج پذیرفته‌شدهٔ مکتب و تخصص خویش اساساً با عرفان و عارفان مخالف‌اند، نظر یادشده را صحیح پنداشته و از آن در راستای اثبات و تثبیت نظرها و اهداف خود سود جست‌ه‌اند.

البته در این میان هستند کسانی که اساساً با اسلام و آموزه‌های اسلامی مخالف‌اند و نیز عرفان غیردینی را که از تقید به دینی معین آزاد است و برای ارزش‌ها و ضد

ارزش‌هایی که دین مبین اسلام تعریف کرده اهمیتی قابل نیست، در جهت اهداف و مقاصد خویش می‌بینند و از جدادانستن و تفکیک عرفان از اسلام خرسند و خشنودند. در برابر همه اینها کسانی‌اند که با وجود تشابه‌هایی که میان آموزه‌های عرفان اسلامی و برخی آموزه‌های عرفان‌های بیگانه وجود دارد، به‌حق معتقدند عرفان اسلامی از اصالت و استقلال برخوردار است و به هیچ مکتب و مرامی جز مکتب اسلام و هدایت‌ها، اشارت‌ها، لطایف و حقایقی که در نصوص و متون دینی اعم از آیات و روایات وجود دارد، مدیون و وابسته نیست.

اینان با آنکه حالات و ادراکات عرفانی را همچون عقلانیت و تعقل که به طایفه، ملیت و دینی خاص اختصاص ندارد، بلکه از خصایص عموم انسان‌ها و عمود انسانیت است، به طایفه، ملیت و دینی خاص مخصوص نمی‌دانند، بلکه آنها را از جمله ویژگی‌ها و کمالات انسان بماهو انسان به حساب می‌آورند، معتقدند دین مبین اسلام - که خاتم ادیان و کامل‌ترین دین الهی است و تمام ابعاد وجودی انسان‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد و در همه میدان‌ها برای همگان درس و آموزه و تعلیم دارد - این بعد کمالی انسان را نه تنها از یاد نبرده، بلکه آن را قله‌ای می‌داند که باید به دست انسان‌های لایق و مستعد فتح شود و از این‌رو برای به فعلیت رسیدن آن بهترین برنامه‌ها را ارائه کرده و بهتر از هر دین و مکتبی و بدون هیچ آسیب و آفتی به‌خوبی از عهده آن برآمده است.

طبق این دیدگاه که به نظر می‌رسد معتدل است و از هرگونه افراط یا تفریط به دور است، در مقام بیان خاستگاه عرفان اسلامی می‌توان بر دو امر تکیه و تأکید کرد: نخست فطرت و نوع خلقت انسان‌هاست که ایجاب می‌کند هر انسانی بتواند به اندازه قابلیت و تلاشش، ذوقیات و کمالات عرفانی را تجربه کند و آنها را در خود شکوفا سازد؛ دوم فرهنگ غنی و تعلیم ناب اسلام، قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام است که مطمئن‌ترین بستر و نیز بهترین عامل رشد و به فعلیت رسیدن قابلیت‌های انسانی است و می‌تواند انسان‌ها را با بهترین شیوه و مصون‌ترین طریقه به سرمنزل مقصود برساند.

بنابراین می‌توان بر اساس امر نخست، اشتراکات و تشابه‌های آموزه‌های عرفانی را در همه اقوام و ملل - بدون آنکه قایل به تأثر یکی از دیگری شد - امری طبیعی دانست و توجیه کرد؛ چنان‌که بر اساس امر دوم نیز می‌توان اصالت و استقلال عرفان اسلامی را پذیرفت و وارداتی بودن آن را انکار و محکوم کرد.

به دیگر عبارت، نه شباهت عرفان اسلامی در برخی موارد با عرفان اقوام دیگر مانند یونانی، هندی، یهودی و مسیحی و... دلیل تأثر آن از دیگر عرفان‌هاست، بلکه نشانه این است که عرفان مثل اصل دین، اصل تعقل، اصل احساس و اصل علم و هنر امری عام و مشترک میان همه انسان‌هاست و نه اصالت و استقلال عرفان اسلامی انکارشدنی که بر آموزه‌های قرآنی و تعالیم انسان‌های کامل معصوم علیهم‌السلام تکیه زده و ناب‌ترین و مطمئن‌ترین عرفان را به جهان بشریت ارائه کرده است. بر این اساس می‌توان بدون دغدغه بر امور زیر تأکید کرد:

۱. عارفان مسلمان به خصوص عارفان عالم تشیع با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و بهره‌گیری از میراث نبوت و ولایت و تعالیم انبیا و اولیا علیهم‌السلام گوی سبقت را از دیگر انسان‌ها ربوده و در زمینه کمالات، ذوقیات و معارف عرفانی از همه سریع‌تر، بیشتر و مصون‌تر رشد کرده‌اند.

۲. عارفان و صوفیه اهل سنت گرچه در فضای تشنن و غامه رشد کرده‌اند، ولی به معارف امامان معصوم علیهم‌السلام و اصول و مبانی تشیع بسیار نزدیک شده‌اند، بلکه بسیاری از آنها درحقیقت شیعه بوده‌اند؛ ولی امکان اظهار و اعلان آن را نداشته‌اند.

۳. عارفان محقق و محققان عارف خود معترف‌اند هرچه را بر اساس تهذیب و ریاضت به دست آورده و شهود کرده‌اند، بهتر و بالاتر از آن را قرآن و شریعت ختمی بیان کرده است و بنابراین قرآن را کشف تام یا اتم محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم نام می‌نهند و آن را میزان درستی و نادرستی عموم مکاشفات عرفانی خود می‌دانند.

صحت این مطالب را می‌توان با مراجعه فنی به عرفان ناب اسلامی و آثار علمی و

عملی عارفان اصیل دریافت؛ ولی متأسفانه عده بسیاری فرصت یا حوصله مراجعه ندارند و از طرفی بر اساس حس حق جوئی مایل اند منصفانه و بی طرف، صحت و سقم مطالب یادشده را بدانند؛ بنابراین لازم است برای این گونه افراد، عاجلانه و در عین حال دقیق و علمی کاری انجام شود که آنان را در رسیدن به مقصد مزبور یاری رساند و حقیقت امر را در حدّ توان برایشان روشن سازد. این همان امری است که تحقیق پیش روی برای تحقّق آن سامان گرفته و تحت عنوان «عرفان در آیین قرآن» عرضه شده است و امیدواریم مورد قبول ارباب بصیرت واقع شود و آنان را در رسیدن به هدف مزبور یاری رساند. و ما ذلک علی الله بعزیز.

ممکن است برخی با دیدن یا شنیدن عنوان «عرفان در آیین قرآن» گمان کنند محقق در این اثر می خواهد فقط و فقط بر آیات و روایات تمرکز کند و بدون آنکه از عرفان رایج کمکی بگیرد، آموزه های عرفانی و حتی چارچوب عرفان را در هر دو بعد نظری و عملی، از دل آیات و روایات بیرون بکشد و بر این اساس توقّع داشته باشند در این تحقیق، عرفانی به جامعه قرآن دوست و قرآن محور ارائه شود که با عرفان اسلامی رایج مغایر و چه بسا مخالف باشد. در پاسخ این افراد باید گفت:

اولاً گمان مزبور بر این اساس شکل می گیرد که عرفان اسلامی رایج عرفانی است که بدون توجه به آیات و روایات سامان گرفته و هیچ ربطی به آموزه های وحیانی و قرآنی ندارد؛ در صورتی که این گمان - چنان که روشن خواهد شد - گمان درستی نیست و بنابراین توقعی هم که بر اساس این گمان نادرست پا بگیرد، توقع بجایی نخواهد بود.

ثانیاً عرفان صرف نظر از تعیین و بیان خاستگاه و محتوایش، چه در بعد نظر به عنوان یک علم و تخصص و چه در بعد عمل به عنوان یک طرح و برنامه همانند سایر تخصص ها و مهارت های علمی و عملی، برای خود چارچوب و نقشه ای دارد که به دست متخصصان مربوطه ترسیم شده و فارغ از هر مکتب و گرایشی، برای همگان معقول و پذیرفتنی است.

از باب مثال و تقریب به ذهن درباره علمی چون علم اقتصاد می‌گوییم این علم صرف نظر از اسلامی یا غیراسلامی‌بودنش، در سه بخش تولید، توزیع و مصرف خلاصه شده و هر بخش نیز برای خود اصول و قواعدی دارد که برای همگان معقول و انکارناشدنی است. نهایت امر اینکه بخش‌ها، اصول و قواعد یادشده را هرکسی با توجه به گرایش، مکتب و ارزش‌ها و ضدارزش‌هایی که پذیرفته است، سامان می‌بخشد و نوعی اقتصاد را پی‌ریزی می‌کند؛ مثلاً اگر آن کس مسلمان باشد و مبانی، احکام و اهداف اسلام را پذیرفته باشد، اقتصاد اسلامی و اگر کمونیست باشد، اقتصاد کمونیستی و اگر کاپیتالیست باشد، اقتصاد کاپیتالیستی شکل می‌گیرد.

درواقع ممکن است نگرش‌ها و دیدگاه‌ها در باب تولید، توزیع و مصرف متفاوت باشد؛ ولی اصول، چارچوب و نقشه تفاوتی نمی‌کند، بلکه ثابت و لایتغیر است و اگر کسی بخواهد با توجه به آیات و روایات، آموزه‌های اسلام را درباره اقتصاد تحت عنوان «اقتصاد اسلامی» تدوین کند، قطعاً این امر بدون توجه و التفات به نقشه و چارچوب یادشده میسر نخواهد بود.

بنابراین یک نفر محقق مسلمان برای تدوین اقتصاد اسلامی ابتدا باید نقشه و چارچوب یادشده را که بر اساس نفس الامر داستان ترسیم شده و نیز مورد قبول همه اقتصاددان‌های عالم قرار گرفته است، در نظر گیرد و بعد در آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تفحص کند و پیام‌های مربوط به اقتصاد را از دل آنها بیرون کشد و دستاورد این تفحص و استخراج را در سه بخش تولید، توزیع و مصرف تدوین و ارائه کند.

عارفان نیز همین‌گونه است؛ زیرا در بعد عمل، حرکت و سلوکی است که آغاز و انجامی دارد و مرحله به مرحله پیش می‌رود تا به مقصد برسد؛ در بعد نظر هم برای خود موضوع، مبانی، مبادی و مسائلی دارد که توسط عارفان تدوین شده است. ما برای رسیدن به عرفان مورد قبول آیات و روایات، باید قبل از مراجعه به آیات و روایات، نقشه و چارچوب یادشده را - که هم عقلی و هم عرفی است و از این‌رو بین همه ادیان و

گرایش‌ها پذیرفته شده است - در نظر گیریم و بعد به آیات قرآن و روایات مراجعه کنیم و در نتیجه آن عرفانی که مد نظر است، سامان پیدا کند.

به دیگر عبارت استخراج عرفان قرآنی تنها با تحفظ بر نقشه و چارچوب اولیه که عقلایی، عرفی و پذیرفته شده بین همه افراد است، ممکن و شدنی است؛ اما اگر بخواهیم حتی همان اصول و چارچوب اولیه را از آیات و روایات استخراج کنیم، بعید است آن اصول به صورت منظم، مدون و آماده در آیات و روایات وجود داشته باشد. آری، آموزه‌ها و تعالیم عرفانی وجود دارد؛ اما اصول و چارچوب به صورت مدون و آماده وجود ندارد؛ چون از آغاز هم مورد نظر نبوده است.

برای مثال وقتی ما می‌خواهیم برای بالابردن هوش و دقت یک کودک، پازلی را در اختیارش قرار دهیم، ابتدا پازل را به هم می‌ریزیم و بعد از او می‌خواهیم قطعه‌های به هم ریخته پازل را مرتب و منظم کند. حال قضیه و داستان عرفان هم همین گونه است؛ یعنی درحقیقت، مثل پیام‌ها و آموزه‌های عرفانی در آیات و روایات مثل قطعات به هم ریخته پازل است؛ چون اساساً بنا بر این نبوده که «علم عرفان» را به ما یاد بدهند، چه عرفان نظری و چه عرفان عملی؛ اما به جای آن، پیام‌های ناب عرفانی را به صورت قطعات به هم ریخته پازل آن هم عمدی در اختیار ما قرار داده‌اند و ما باید این قطعات به هم ریخته را با تکیه بر توانمندی‌های خود، طی تجربه‌های طولانی و متعدّد و فرایندی مبتنی بر آزمون و خطا کنار هم نهیم و آنها را به هم وصل کنیم تا در نهایت نقشه زیبای مورد نظر رخ نماید و به دست آید.

البته اینجا ممکن است بگویند در همین پازلی که برای مثال بدان اشاره شد، آن کسی که طراح اولیه پازل است، خود ابتدا نقشه اصلی آن را تنظیم می‌کند و بعد ما اجزای آن را به هم می‌ریزیم و آنها را در اختیار شخص مورد نظر قرار می‌دهیم تا وی قطعات به هم ریخته را منظم کند و به نقشه اصلی دست یابد و آن را مرتب کند.

در جواب باید گفت به اعتباری این مطلب درست است و در عرفان نیز نقشه‌ای وجود دارد که قرآن کریم آن را خیلی زیبا در سوره‌ای به ظاهر کوچک، یعنی سوره

عصر بیان کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ». این سوره با کوچکی حجمش، نقشه و خط سیر تکاملی انسان را ترسیم و بیان کرده است؛ ولی باید دانست این نقشه، نقشه‌ای کلی است و ما اگر بخواهیم نقشه‌ای جزئی و مفصل داشته باشیم، باید خودمان دست به کار شویم و با تکیه بر فطرت، تجربه و تخصص و البته مراجعه به آیات و روایات آن نقشه را سامان دهیم؛ بنابراین باز می‌رسیم به همان قطعات پازلی که به هم ریخته است و باید مرتب و تنظیم شود؛ چون آیات و روایات بر اساس نقشه‌ای اساسی، تعالیم و آموزه‌های عرفانی را مثل نقل و نبات در اختیار ما گذاشته‌اند و این ما هستیم که باید آنها را در جهت آن نقشه اصلی و کلی مرتب و منظم کنیم و این همان کاری است که عارفان محقق و محققان عارف آن را در فضای اسلام و مسلمانی انجام داده‌اند.

بنابراین روش ما در این تحقیق بدین‌گونه است که ابتدا مطالب را در چارچوب علمی پذیرفته‌شده تشریح و تبیین می‌کنیم و سپس و البته در برخی موارد، همزمان، حاصل را با مدالیل آیات و نیز روایات می‌سنجیم و اگر پذیرفتنی باشند، آنها را می‌پذیریم و تقویت می‌کنیم. همچنین اگر درباره مطالب طرح‌شده شبهه یا اشکالی وجود داشته باشد، آن را نیز مطرح می‌کنیم و در حد وسع بدان پاسخ می‌دهیم.

نکته پایانی که در این پیش‌گفتار لازم است مورد تأکید قرار گیرد، آن است که پیشاپیش بدانیم استنباط آموزه‌های عرفانی از آیات قرآن و همچنین روایات، آن‌گونه که باید، تنها بر مبنای رصین و محکم اهل معرفت میسر است که قرآن و روایات را در حدّ ظواهر عبارات خلاصه نمی‌کنند، بلکه معتقدند آیات تدوینی به‌سان آیات تکوینی علاوه بر ظاهری زیبا و دلربا از لایه‌های باطنی تودرتو برخوردار است و عمیق‌ترین‌ها، لایق فهم عمیق‌ترین لایه‌هاست که توضیح و تبیین آن در همین تحقیق تحت عنوان «مستنبطات عارفان» خواهد آمد.